بازیگران سینما در سال‌های فعالیت خود اشتباهات زیادی را مرتکب می‌شوند
اینجا بعضی از بزرگ‌ترین اشتباهات آنها را در انتخاب نقش‌ها بررسی کرده‌ایم

# من اشتباهی بودم!

«۵۰ میلیون تومان» از آخرین فیلم‌های خسرو شکیبایی است که می‌توان آن را در فهرست اشتباهات انتخاب نقش از سوی بازیگران قرار داد

۱۱

## واقعه

### ۱۰۱ سال از اعدام طالقانی گیلان گذشت

**امروز ۲۲ اردیبهشت سالگرد اعدام دکتر حشمت یکی از مبارزان جنگل است**

در ۲۲ اردیبهشت ۱۰۱ سال پیش یعنی درست سال ۱۲۹۸ به دستور سردار معظم خراسانی - تیمورتاش حکمران گیلان - دکتر حشمت یکی از مبارزین جنگلی و یار غار میرزا کوچک، دستگیر و به همراه عده‌ای دیگر به دار آویخته شدند. ابراهیم میرفخرایی که خود از آخرین بازماندگان قیام جنگل بود، در کتابش (سردار جنگل) درباره ماجرای اعدام دکتر حشمت این‌گونه می‌نویسد: «مقامات نظامی دولت، به دکتر پیام فرستاده و به استناد اینکه مسلمانند و فرد مسلمان به ریختن خون برادران هم‌کیش راضی نیست، پشت قرآنی را به علامت تأمین مهر کرده سوگند یاد نمودند که در صورت تسلیم، جان و مال او مصون از هر نوع تعرض خواهد بود و به علاوه امکان دارد آینده درخشانی نیز در انتظارش باشد. دکتر حشمت که به مبانی دینی ایمان داشت، سوگند مقامات نظامی را حمل به صحت نمود و یک روشنایی مبهمی از اعتماد و اطمینان به آنچه شنیده و از نظرش گذشت در قلبش تابید و فکر نمود که سخنانی بدین صمیمیت و غلظت، هرگز بیهوده نخواهد بود. لذا با پیش‌بینی و ارزیابی حوادث محتمل‌الوقوع، سرانجام تسلیم شدن به قوای دولت را به عقب‌نشینی بی‌هدف که نتیجه‌ای نامعلوم داشت رجحان داد و با ۲۷۰ نفر از مجاهدین تحت فرماندهی‌اش که باقی‌مانده بودند تسلیم شد. و همین اتفاق موجب کشته شدن دکتر حشمت شد.»

محمود پاینده لنگرودی در کتاب - یادی از دکتر حشمت جنگلی - صفحه ۱۴۰ از قول عبدالحسین ملک‌زاده؛ مدیر روزنامه سایبان گیلان، از روز به دار آویخته شدن دکتر حشمت چنین یاد می‌کند: «جلاد سیاه‌چهره و بلندقامت پیش آمد. دکتر حشمت با کمال تهور، شنل از دوش برگرفت و آن را به «کاظم بلند» جلاد «چهار براری» سپرد و بعد عینک طلای خود را به دست راست برداشته سپس به روی چهارپایه کوچک و سفیدی بالا رفت. اشعه پاکدامنی و تقوی از چهره دکتر حشمت طالع بود. مردم با حس رأفت و مهربانی نگران بودند. قلوب جمعی از آزادی‌خواهان به شدت می‌تپید. کاظم بلند، جلاد تیره‌گون و سیه‌دل را از مشاهده آن همه متانت لرزشی فراگرفت و در حین انداختن طناب، خود را باخت و نزدیک بود که بر زمین بیفتد؛ دکتر حشمت چون آن حال بدید ریسمان از جلاد برگرفت و به طرفه‌العین طناب را به گردن خود بینداخت و سپس موهای انبوه سر و صورت خود را از زیر حلقه طناب خارج ساخت، به‌نحوی که ریسمان، اطراف گردن او را فرا گرفت و اشاره به جلاد نمود و او را از دار بیاویختند. صدای شیون از هر طرف بلند شد و زنان وحشت نموده رو به فرار گذاشتند. دکتر حشمت کمی دستان خود را به طرف طناب نزدیک کرد و سپس آن‌ها را فرود آورد و چندین حرکت جانگداز نموده، جان شیرین خود را تسلیم کرد.»

نگاهی به اتفاقات عجیب زندگی نقاش معروف اسپانیایی و یکی از تابلوهای مشهورش

# ما شما رو دوست داریم آقای دالی

گروه هنر

**جناب آقای دالی، همان نقاش معروف اسپانیایی که از اسمش گرفته تا سبیل خاص و لباس پوشیدن و حیوان خانگی‌اش – جناب مورچه‌خوار- همگی عجیب و غریبند را اگر حتی به نام هم نشناسید به چهره این طرف و آن طرف رویتش کرده‌اید. امروز تولد این هنرمند نقاش است که فیلمسازی و انیمیشن‌سازی را هم تجربه کرده و یک نابغه خودشیفته محسوب می‌شود. در ادامه به برخی نکات و اتفاقات زندگی او می‌پردازیم و بعد هم می‌رویم سراغ یکی از تابلوهایش تا ببینیم حرف حسابش از خلق جهان‌های این همه سوررئال یا فراواقع‌گرایانه چه بوده است.**

### این آقای دالی شگفت‌انگیز

چیزی نمانده بود که از آکادمی هنر فارغ‌التحصیل شود، اما نشد. می‌دانید چرا؟ چون قبل از آخرین امتحان تاریخ هنر می‌گوید هیچ‌کدام از اساتیدم در مدرسه صلاحیت قضاوت در مورد کارهای هنری من را ندارند، در نتیجه من از شاگردی کردن در این مدرسه سر باز می‌زنم!

دالی حال و حوصله حساب و کتاب و پرداخت به‌موقع حقوق و این حرف‌ها را نداشته، برای همین هم از فروش تابلوهایش به آنها کمیسیونی می‌پرداخته است. منشی‌های خوش‌شانس‌تری هم وجود داشته‌اند که دالی چند تا تابلو که به‌نظرش زشت می‌آمده را تقدیم‌شان می‌کرده است. این عمل او نه در آن سال‌ها بلکه در سال‌های بعد باعث میلیونر شدن این منشی‌ها و خانواده‌هایشان شد.

النا ایوانووا دیاکونووا که بیشتر به گالا معروف است، عشق دالی بود که تا پایان عمر با هم زندگی کردند. گالا همسر پل الوار شاعر معروف بود که از او جدا شد و با دالی ازدواج کرد.

«همه چیز در کُلِ کَلَم خلاصه می‌شود...!» این حرفیست که سالوادور به طرفدارانش در فرانسه وقتی او و ماشین رولزرویس سفیدش که با ۵۰۰ کیلوگرم گل کلم پر شده بود را احاطه کرده بودند، گفت. بعدها او به خبرنگار آمریکایی مایک والاس گفت که از پس توصیف پیچ و خم‌های لگاریتمی موجود در کُلِ کَلَم برنمی‌آید.

دالی یکی از پرکارترین هنرمندان تاریخ بود. او در طول زندگی هنری‌اش ۱۵۰۰ تابلو کشیده و این به جز طراحی‌ها، فیلم‌های کوتاه، مجسمه‌ها و پرفورمنس‌های او و هزاران هزار ایده و اجرای خلاقانه دیگر اوست که او را تبدیل به یکی از پرکارترین هنرمندان تاریخ، چه از نظر تنوع هنرها و چه از نظر تعداد آثار کرده است.

دریای تصویر شبیه منظره‌ای است که دالی در تمام عمرش آن را می‌دیده است، صخره‌ها هم تعاریف فروید از خودآگاه و ناخودآگاه را به ذهن متبادر می‌کند.

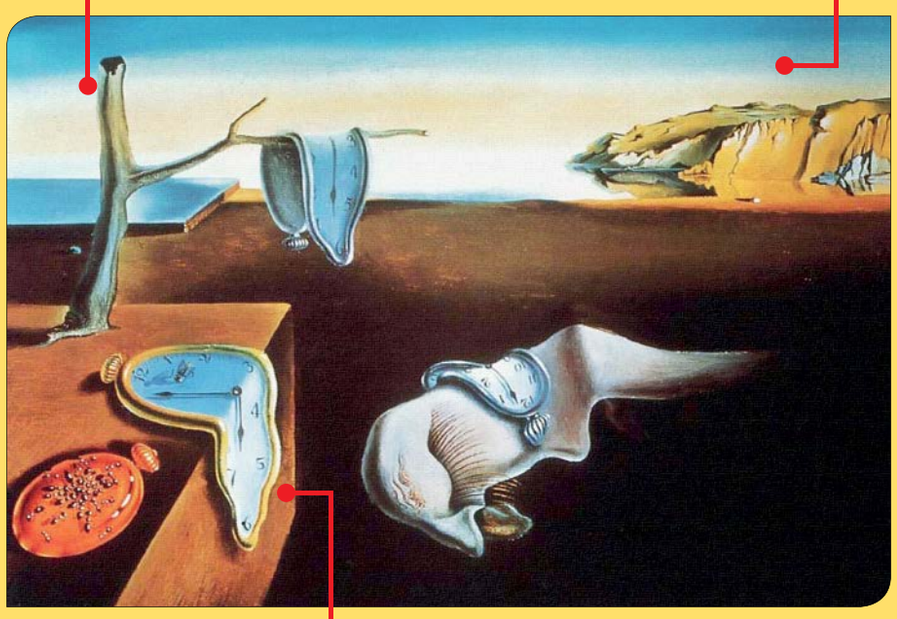

نکته جالب دیگری که در نقاشی معروف دالی دیده می‌شود، رویش یک درخت خشکیده روی میز است. دالی می‌خواهد نشان دهد انسان در حال نابود کردن طبیعت از طریق دخل و تصرف‌های نابجاست و طبیعت را از حالت طبیعی بودنش خارج کرده است.

اما این‌که خود دالی درباره «تداوم زمان» چه گفته هم ماجرایی است. اجازه بدهید ببینیم نظرش درباره این اثر چیست: «این تابلو بالاترین خشم امپریالیستیِ دقت را درج کرده است...» بله. ظاهرا جناب دالی از ساعت‌ها خسته شده‌بوده و طغیان علیه نظمی را می‌خواسته که آدمیزاد برای دنیا تعریفش کرده و خواه ناخواه به همه‌مان تحمیل می‌شود.

«تداوم حافظه» یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار نقاش فراواقع‌گرا یعنی همین جناب دالی است که به گفته خودش تنها در دو ساعت خلق شده است. این نقاشی از سال ۱۹۳۴ تاکنون در موزه هنر مدرن در نیویورک نگهداری می شود و در سال ۱۹۳۱ خلق شده است. دالی علاقه شدیدی به تئوری و تحلیل‌های فروید داشته و این را می‌پذیرفته که ناخودآگاه انسان برای خودش عالمی است که ما در خودآگاهی‌مان از آن بی‌خبریم.

در تابلوی «تداوم حافظه» یک بیابان را می‌بینیم و ساعت‌هایی که در نهایت نرمی و انعطاف گوشه و کنار اثر رها شده است. چیزی شبیه یک رویا، شبیه حالتی که در خواب با آن مواجهیم. ما وقتی می‌خوابیم، نمی‌توانیم درکی از زمان داشته باشیم، مثلا یکی دو ساعت عمیق می‌خوابیم و وقتی بیدار می‌شویم فکر می‌کنیم یک روز خواب بوده‌ایم! درواقع خوابیدن مفهوم زمان را برای انسانی که خواب است تغییر می‌دهد، همین‌طور برای انسانی که خواب می‌بیند، پس آنچه در تابلوی دالی می‌بینیم شبیه یک خواب است، یک رویا. حتما شما هم از این خواب‌ها دیده‌اید و بعدش هم با خودتان فکر کرده‌اید که اگر می‌شد نقاشی‌اش کنید یا در قالب یک داستان بنویسیدش چه اتفاق خوبی می‌افتاد! اما جالب است که جناب دالی رفیق فابریک مورچه‌خوار عزیزش اینها را احتمالا نه توی خواب که در بیداری می‌دیده، حالا اگر خواب هم می‌دیده توانایی تصویرکردنش در بیداری را داشته دیگر!

اما دیدگاه دیگری هم وجود دارد که می‌گوید سالوادور زمان را امری نسبی می‌دیده و می‌خواسته با این تابلو بگوید زمان قابل اندازه‌گیری با ساعت نیست و برای هر آدمی در هر زمان و مکانی طول خودش را دارد. همه‌مان تجربه‌اش کرده‌ایم دیگر. گاهی اوقات یک ساعت برایمان یک سال می‌گذرد و یک روزهایی هم چشم به هم می‌زنیم، می‌بینیم شب شد! خلاصه که از این جهت هم ماجرا را ببینیم به استاد دالی ارادتی پیدا خواهیم کرد.

یادداشت:
سیدوحید معتمدی
کارشناس مذهبی

## ماه رمضان متفاوت

ماه مبارک رمضان که بهترین فرصت اوج گرفتن بندگی انسان است، امسال با مشکل همه‌گیری ویروس کرونا شکل دیگری به خود گرفته است.

حال که در شرایط کنونی از شرکت در مساجد و مراسم‌های عمومی محرومیم بهتر است برای بهره‌بری بیشتر از این فرصت بی‌نظیر نکاتی را در نظر داشته باشیم و پیش و بیش از همه مراقب باشیم گناه نکنیم که برترین عمل دوری از گناه است و در این میان باید بالاخص مراقب زبان خود باشیم.

متونی است که مطالعه‌شان باعث ازدیاد معرفت درباره عظمت این ماه می‌شود مانند خطبه رسول‌ا... صلی ا... علیه و آله درباره ماه رمضان و کتاب المراقبات مرحوم آیت‌ا... میرزا جواد ملکی تبریزی.

می‌دانیم که مطالعه به تقویت و تغذیه بنیان‌های فکری کمک می‌کند و از نظر دین مبین، بالاترین عبادت بلکه جان همه عبادت‌ها تفکر است، پس چه بهتر که از خلوت‌های این ایام برای تفکر بهره ببریم. تفکر در نعمت‌ها و آیات تکوینی و تشریعی خداوند متعال و همچنین تفکر درباره مرگ و زندگی جاودان آخرت و این‌که چقدر برای این سفر عظیم آماده‌ایم.

گرچه نمی‌توان مجالس مذهبی برپا کرد اما می‌توانیم به همراه خانواده با برپایی جلسه تلاوت و تدبر قرآن خانه‌هایمان را نورانی کنیم.

اکنون که به‌ناگزیر باید خانه‌نشینی کنیم شایسته‌تر است در ایام ا... رمضان به سخن گفتن با خداوند بپردازیم، اهل مناجات شویم و از فرصت بی‌نظیر شب‌ها و سحرهای این ماه در مناجات با محبوب یگانه غافل نشویم، خصوصا با ادعیه‌ای مانند افتتاح و ابوحمزه مانوس شویم و رابطه بین خدا و خودمان را اصلاح کنیم و با ذکرهای سفارش شده مانند استغفار و لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم و صلوات در طول شبانه‌روز به‌طور منظم و مستمر به یاد خدا باشیم و در این مهم از برنامه‌ریزی غافل نباشیم تا از شب‌های قدر و برکات این ماه کم بهره نمانیم.

آنهایی که توانایی دارند به مشارکت مالی و بدنی و ... به جریان عظیم همدلی و مواسات بپردازند و برای نیازمندان افطاری آماده کنند و در خانه‌هایشان ببرند. از یاد نبریم که فرصت‌سوزی و وقت‌کشی با پرسه‌های بی‌هدف در فضای مجازی چیز چندانی عایدمان نمی‌کند، پس وقت را به از این غنیمت شماریم.